

آیت الله حاج میرزا محمد کبیر قمی

ناصر فرهنگ

اشاره:

آیت الله حاج شیخ محمد کبیر، یکی از فقهای بزرگ و علمای سترک قم در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری است، که سالیان فراوان در زادگاهش به خدمات دینی بسیار موفق بود. و هم اینک نیز، ذکر جمیل محامد و صفات پسندیده اش، و نام و یادش پس از گذشت پنجاه سال از وفاتش، در زبانها و کتابها جاری است. اینک، در پنجاهمین سال رحیلش، نوشتاری را به ذکر آثار و خدماتش اختصاص داده ایم، و اندکی از علم، آگاهی، تعهد و مسئولیتش را نمایانده ایم.

پس از تحصیلات مقدماتی، به فراگیری علوم دینی روی آورد.

تحصیلات

وی در آغاز، نزد ملا محمدتقی نحوی و ملا صادق قمی، مقدمات و ادبیات و هم نزد شیخ محمدحسین علامه و حکیم یزدی، سطح و معقول را فراگرفت [ریحان یزدی، آینه دانشوران، ۱۴۹؛ شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ۱، ۳۴۲]. سپس، وی برای تحصیل سطوح عالی به سوی تهران - که در آن روزگار دارای حوزه علمیه باشکوه و پررونق بود - کوچ کرد.

خاندان

آیت الله کبیر، از خاندان نامی بیگدلی قم برخاست، که نسب به شاعر پرآوازه و ادیب نامی قرن دوازدهم هجری، لطفعلی بیگ «آذر بیگدلی» (د. ۱۱۹۳ ه. ق) صاحب آتشکده آذر، می برد. آذر و فرزندش «شرر»، حسنعلی بیگ از شعرای عهد محمدشاه قاجار، و نوه اش «اخگر»، عبدالرشید خان از شاعران زمان ناصرالدین شاه قاجار، همه از سخنوران مشهور قم به شمار بوده اند [مقدس زاده، رجال قم، ۸۳، ۹۶ و ۱۲۱].

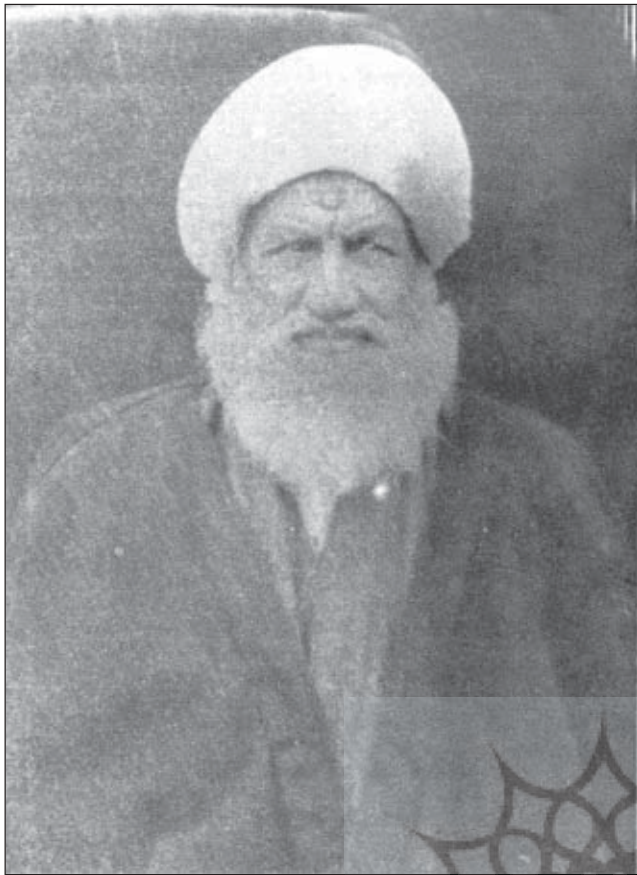
به سوی تهران

مرحوم کبیر، در حدود سال ۱۳۱۲ ه. ق - که ۲۴ ساله بود - به تهران رفت، و در مدرسه مروی ساکن شد. وی فقه، اصول و فلسفه را همراه با دوست همشهری و همدرس خود حاج میرزا محمد فیض قمی، از علمای ذیل استفاده کرد:

۱. آیت الله میرزا محمدحسن آشتیانی (ح. ۱۲۴۸ - ۱۳۱۹ ه. ق)، صاحب بحر الفوائد فی شرح الفرائد و کتاب القضاء
۲. آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۷ ه. ق)، صاحب رساله فی ضمان الید و رساله فی المشتق
۳. آیت الله حاج سید عبدالکریم گیلانی (د. ۱۳۲۳ ه. ق)، صاحب حاشیه بر فصول، قوانین و ریاض
۴. حاج شیخ علی نوری ایلکاتی (د. ح. ۱۳۴۰ ه. ق)،

ولادت

معظم له در سال ۱۲۸۸ ه. ق. [ریحان یزدی، آینه دانشوران، ۱۴۸؛ مقدس زاده، رجال قم، ۱۵۵] در قم دیده به جهان گشود. وی



آیت‌الله حاج میرزا محمد کبیر قمی

مردم می‌کوشید و همه و جوهراتی که به دستش می‌رسید، برای گره‌گشایی از کار مستمندان و نیازمندان مصرف می‌نمود. او با آنکه از خانواده‌ای متمول و ثروتمند بود و جوهرات فراوان به او می‌رسید، اما زندگی‌اش بسیار ساده و بی‌پیرایه، و زهد از تمام زندگی او هویدا بود. لباس، غذا و خانه‌اش به مانند یکی از مردم عادی بود و خود - با اینکه مرجع تقلید بود - خرید خانه‌اش را انجام می‌داد، و کارش را برعهده کسی دیگر نمی‌نهاد. ایشان حافظه‌ای قوی داشت، و در فهم فقه، اصول و احادیث اهل بیت(ع) بسیار خبره بود. اخلاقش خوش، محضرش شیرین و بیاناتش ملیح و نمکین بود. عالم و عامی، از درس و منبرش سود می‌بردند. هرکس که به امید او به خانه‌اش می‌آمد، با دلی شاد و روی گشاده و خوشحال بازمی‌گشت.

تالیفات

از آن فقیه سترک قم، تالیفاتی چند در فقه و اصول برجای مانده است که عبارتند از:

۱. حاشیه بر جواهر الکلام (کتاب الصلاة)
۲. حاشیه بر العروة الوثقی
۳. حاشیه بر کفایة الاصول
۴. منتخب الاحکام، که چاپ شد
۵. جامع الفروع، که به چاپ رسید

مدرس شرح لمعه و شرح تجرید

۵. آقا میرزا محمود کهکی قمی، متخلص به «رضوان» (د. ۱۳۳۸ ه. ق.)، صاحب دیوان اشعار

مهاجرت به نجف اشرف

ایشان در سال ۱۳۱۹ ه. ق. به شهر علم پیامبر(ص)، نجف اشرف، کوچید و با تلاش پیگیر و کوشش خستگی‌ناپذیر، به مدت ۲۱ سال در درسهای استوانه‌های علم و دانش شرکت کرد، و به قله‌های رفیع علم و دانش دست یافت. استادان وی عبارتند از آیات عظام:

۲. شیخ محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ه. ق.)، صاحب کفایة الاصول و فوائد الاصول
۲. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ه. ق.)، صاحب العروة الوثقی و حاشیة المکاسب
۳. حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل تهرانی (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶ ه. ق.)، صاحب ذریعة الوداد فی منتخب نجات العباد

بازگشت به قم

آیت‌الله کبیر در سال ۱۳۳۰ ه. ق پس از ۱۱ سال اقامت در نجف و پس از وفات استادش، آخوند خراسانی در ذیقعد ۱۳۲۹ ه. ق. در حالی که به مقام عالی اجتهاد نایل آمده بود، به زادگاهش بازگشت و به تدریس، تألیف، وعظ و تبلیغ، اقامه جماعت و دیگر خدمات دینی پرداخت [ریحان یزدی، آینه دانشوران، ۱۳۹]. او در این زمان، در مسجد امام حسن عسکری(ع) به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت، و گروهی از محصلان و طلاب از محضرش استفاده می‌کردند.

معظم له منبری شیرین داشت. وی در منزل خود، در اعیاد و سوکواریها منبر می‌رفت، و مردم را به موعظه حسنه خویش بهره‌مند می‌ساخت. علمای بزرگی همچون: آیت‌الله سیدصدرالدین صدر، آیت‌الله حائری و آیت‌الله حرم پناهی قمی، پای منبرش حاضر می‌شدند. وی با اینکه فیلسوفی قوی پنجه و ماهر بود و از جزئیات و مسائل آن بخوبی آگاهی داشت. اما آشکارا با حکما و فلاسفه مخالفت می‌ورزید و مباحثاتش با آیت‌الله شاه‌آبادی در حوزه علمیه قم معروف بود [شریف رازی، آثارالحجة، ج ۱، ۲۱۷]. او می‌گفت: این فلسفه بافیها، مردم را از آل محمد(ع) و اخبار و احادیث اهل بیت دور ساخته است [شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ۳۴۳].

ویژگیهای اخلاقی

آیت‌الله کبیر، دارای سری پرشور، روحیه‌ای قوی و قلبی شجاع بود، به طوری که از کسی نمی‌هراسید. در زمان رضاخان - که سوکواری و عزاداری امام حسین(ع) ممنوع بود، معظم له چه در مسجد و چه در منزلش، منبر می‌رفت، روضه می‌خواند و حتی به دستگاه دولت انتقاد می‌کرد. وی در رفع نیازهای



۶. مطالع الشمس، در علم اصول (مباحث الفاظ، اصول عملیه و تعادل و تراجیح) که منتشر شد [تهرانی، الذریعة، ج ۲۱، ۳۶].
 شیخ آقا بزرگ تهرانی، نام آن را مشارق الشمس نگاشته است و از چاپ مجلد استصحاب و تعادل و تراجیح آن خبر می دهد.
 ۷. حاشیه بر ذخیره العباد، که به چاپ رسید [ناصر الشریعة، تاریخ قم، ۲۸۲].

فرزندان

از آن عالم بزرگوار، فرزندان شایسته و عالم و صالح برجای ماند، که عبارتند از:

۱. حجت الاسلام والمسلمین آقا حسین کبیر؛ که از علمای قم، یکی از ائمه جماعات مسجد امام حسن عسکری (ع)، و از شاگردان آیات عظام، کبیر قمی، بروجردی، فیض، حجت، حاج سید محمد تقی خوانساری و شیخ عباسعلی شاهرودی بود. او در سال ۱۳۸۵ هـ. ق بدرود حیات گفت، و در جوار پدرش مدفون شد [مقدس زاده، رجال قم، ۱۱۱؛ شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ۳۴۳؛ ریحان یزدی، آینه دانشوران، ۳۴۹].

۲. حجت الاسلام آقا شیخ جواد کبیر

۳. حجت الاسلام آقا شیخ احمد کبیر

این دو برادر بزرگوار نیز، در جانب پدر و برادرشان به خاک آرمیده اند.

وفات

آن فقیه بزرگ در اواخر سال ۱۳۶۷ هـ. ق و در هشتاد سالگی،

به حج مشرف شد و علاوه بر زیارت بیت الله الحرام، با پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) تجدید عهد نمود. ایشان پس از یک سال زندگی، در سوم ربیع الاول ۱۳۶۹ هـ. ق پس از یک دوره بیماری، در ۸۱ سالگی بدرود حیات گفت. مردم، بازاریان و علمای قم با شنیدن خبر وفاتش، همه سوگوار و عزادار شدند.



آیت آله شهید شیخ فضل الله نوری



آیت الله میرزا محمدحسن آشتیانی



آیت الله سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی



آیت‌الله سیدصدرالدین صدر



آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی



آیت‌الله سید صادق قمی

حجت دین آیت‌الله زمان
آن محمد نام و در کنیت کبیر
چون حریم کعبه گردیدش مطاف
میهمان گردید بر حیّ قدیر
آتش شوق از درونش شعله زد
روی جانان دید و از جان گشت سیر
در وطن یک سال شد بیمار عشق
تن ز هجران شد چونی، رخ چون ضریر
مرغ روح پاکش از تن ناگهان
شد به اوج گنبد چرخ اثیر
زین مصیبت شد عیان در سدّ دین
رخنه‌ای بس سخت و جبران ناپذیر
شاخ غم از فرقتش آمد جوان
سرو صبر از محنتش خم گشت و پیر
از برای جستن تاریخ فوت
جبرئیل آمد به انصاری نصیر
آه در مصراع افزود و سرود
«در جنان شد آیت‌الله کبیر»
عبارت: «در جنان شد آیت‌الله کبیر»، بر اساس حساب ابجد،
مساوی ۱۳۳۰، سال وفات ایشان، است.

بازار قم به تبعیت از حوزه علمی تعطیل گردید، و همه یکپارچه
در تشییع پیکر پاکش شرکت کردند. بدن مطهر وی پس از نماز
آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض بر آن، در مقبره اختصاصی اش
در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.
در غم فقدان وی، مجالس یادبود متعددی برگزار گردید، و
شعرای قم چکامه‌هایی در سوک وی سرودند. از جمله آنان،
ادیب نامی قم، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ
محمدعلی انصاری بود، که چنین سرود:

باز از کجگردی گردون پیر
بوم غم بر بام دل شد جای گیر
در کمند مرگ مردی فتاد
که بُد اندر بین اقران کم نظیر
دست صیّاد اجل دامی نهاد
وندر آن سیمرخ دانش شد امیر
عالمی عامل، پناه و پشت شرع
حامی احکام دین، حق را نصیر
زاهد و پرهیزکار و نیک خو
در اصول و فقه، نقادی بصیر
هم احادیث نبوت را سند
هم روایات ولایت را خبیر
دل ز فکر ثاقب وی مستنار
جان ز رأی روشن او مستنیر
پادشاه کشور فضل و کمال
شهر دانش را بُد او میر و امیر
جای چون در عرش منبر می‌گزید
خلق را بُد هم بشیر و هم نذیر
اهل اسلام از وجودش سودها
برده و دیده از او خیر کثیر

منابع:

۱. انصاری قمی، محمدعلی، کلیات دیوان اشعار انصاری، قم، ۱۳۴۲
۲. ریحان یزدی، سیدعلیرضا، آینه دانشوران، با پاورقی و اضافات ناصر باقری بیدهندی، قم
۳. شریف رازی، محمد، آثارالحجة، قم، ۱۳۳۵
۴. همو، گنجینه دانشمندان، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲
۵. مقدس زاده، سیدمحمد، رجال قم، چاپخانه مهر ایران، ۱۳۳۵
۶. ناصرالشریعة، محمدحسین، تاریخ قم، با پاورقی و اضافات علی دوانی، قم، ۱۳۵۰